



پیامدهای کیفرزدایی در حوزه جرائم خانواده

کبری پورعبدالله^۱ و عطیه رنگچی طهرانی^۲

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، Poorabdollah_k@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، نویسنده مسئول: a.r.tehrani94@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: بررسی روش‌ها و مبانی کیفرزدایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در حوزه کیفری و خانواده، زمینه اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد. لذا با توجه به آیات و روایات و منابع فقهی، اثربخشی اعمال کیفر زدایی بر تحکیم خانواده، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

روش: در این تحقیق، روش گردآوری داده‌ها اسنادی است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیلی - توصیفی است. با استفاده از منابع فقهی و قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱)، به تحلیل آثار اجرای کیفرزدایی بر تحکیم خانواده پرداخته شده است.

یافته‌ها: بررسی مواد قانونی و منابع فقهی حاکی از تأثیر مستقیم کیفرزدایی بر استحکام روابط خانوادگی چه از نظر مادی و چه معنوی است. ایجاد بسترهای مناسب اجتماعی و خانوادگی برای الزام اعضای خانواده خصوصاً والدین در جهت انجام وظایف مادی و معنوی خود از طریق اعمال کیفرزدایی، پیامدهای مثبتی از نظر فردی و خانوادگی بر تک تک اعضای خانواده خواهد داشت. لذا برای اجرای هرچه بهتر کیفرزدایی با حداکثر تأثیر مثبت بر تحکیم خانواده، باید تکالیف اعضای خانواده دارای ضمانت اجرا باشند.

نتیجه گیری: اعمال اصل فردی کردن واکنش اجتماعی در قبال پدیده مجرمانه، لزوم اعمال واکنش اجتماعی متناسب با شخصیت مرتکب با رویکرد اصلاحی به جای رویکرد تهریبی و تنبیهی، بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب، مهم‌ترین مبانی وضع سیاست کیفرزدایی را تشکیل داده و متناسب با جرائم تعزیری حوزه خانواده می‌باشند. لذا توجه به ویژگی‌های فردی و خانوادگی مجرم، آفات مجازات رایج را کاهش داده و از طریق ایجاد شرایط لازم برای حفظ روابط خانوادگی و اهداف کلان دینی در جهت ایجاد مودت، تقویت روابط اعضای خانواده را تأمین می‌کند.

کلید واژه‌ها: کیفرزدایی، سیاست جنایی، جرائم خانوادگی، مبانی، تحکیم خانواده.

◀ استناد (به شیوه APA ویرایش ۶): پورعبدالله، کبری؛ رنگچی طهرانی، عطیه (بهار و تابستان ۱۳۹۶). پیامدهای

کیفرزدایی در حوزه جرائم خانواده. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۵(۱)، ۵۷-۶۸.

مقدمه

خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، اهمیت به سزایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و به تناسب مبانی فکری و اخلاقی جوامع مختلف، از حمایت‌های قانونی برخوردار است. قانون‌گذار نیز برای مقابله با هر عمل مجرمانه‌ای، ملزم به پیش‌بینی واکنش اجتماعی مناسب است. لیکن حقوق کیفری در پاسخ‌گویی مناسب در این حوزه با مشکلات و انتقاداتی مواجه است؛ چراکه نوع سیاست اتخاذی در این زمینه می‌تواند اثرات مثبت و منفی در پی داشته باشد؛ به صورتی که مداخله کیفری ناموجه در برخی حوزه‌ها بالأخص نهاد خانواده، موجبات فروپاشی آن را فراهم می‌آورد. به همین علت، خانواده به عنوان آسیب‌پذیرترین و مؤثرترین نهاد اجتماعی، قربانی سیاست‌های غلط قانون‌گذاران و مجریان آن می‌شود. لذا باید از اقداماتی جایگزین از جمله سیاست کیفرزدایی به جای وضع مجازات خشن و غیرقابل انعطاف تحت عنوان عدالت استحقاقی با هدف تحکیم خانواده استفاده کند. سیاست جنایی، مجموعه شیوه‌ها و ابزارهای جزایی و سرکوبگرانه‌ای است که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرز، ۱۳۹۵، ص ۹). کیفرزدایی نیز مجموعه تدابیری است که به محدود کردن مجازات یا حذف آن منجر می‌شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵، ص ۷۷)؛ به عبارت دیگر، کیفرزدایی با حفظ وصف مجرمانه، تنها واکنش کیفری را منتفی می‌کند و مجموعه تدابیری است که به محدود کردن مجازات یا حذف آن منجر می‌شود (رایجیان، ۱۳۸۱، ص ۹۹). لذا از کیفر زدایی می‌توان به عنوان اهرمی در جهت انعطاف ضمانات اجرای کیفری در جرائم حوزه خانواده نام برد. تحکیم خانواده نیز در زبان عرب به معنای تعیین داور و قاضی تحکیم، پذیرفتن حکم قاضی تحکیم و منع کردن کسی از خواسته خویش است. اما این واژه در زبان فارسی به معنای تقویت، محکم کردن و استحکام بخشیدن است؛ در حالی که عرب‌زبانان این معنا را با واژه استحکام اراده می‌کنند (ابن منظور، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴). تحکیم خانواده از جمله مفاهیمی است که تاکنون تعریف مشخصی از آن ارائه شده است، اما با بررسی منابع شرعی می‌توان به این نتیجه دست یافت که تحکیم خانواده مرهون تعامل مستحکم و صمیمانه زوجین با حضور مستمر و پیگیری آن‌ها نسبت به اعضای خانواده است (نوری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷). قرآن کریم نیز به صورت ویژه‌ای به تحکیم و ثبات خانواده عنایت داشته است (مهدوی کنی، ۱۳۹۲، ص ۸). لذا پر واضح است که برای تحکیم اساس خانواده باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که نظم و روابط ویژه اعضای خانواده را به هم نزند (اخلاقی، ۱۳۹۱، ص ۳). از سوی دیگر، می‌توان مفهوم کیفرزدایی و تحکیم خانواده را به دلیل وجود مبانی مشترکی چون بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم (بهره‌مند، ۱۳۸۲، ص ۶۷) توسط اعضای خانواده (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵) بر طبق آموزه‌های اسلامی (صفورایی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸)، اعمال مجازات و آثار آن بر شخص مجرم (نه خانواده‌اش) (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۴) و اصلاح و درمان به معنای بهسازی مجرم (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۷۲) به صرف بازگشت به زندگی عادی (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴) در جهت رشد و بالندگی (سویزی، ۱۳۸۶، ص ۵۵) و آرامش اعضای خانواده (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۳۷) به یکدیگر نزدیک دانست و سپس به بررسی

پیامدهای اجرایی سیاست کیفرزدایی بر استحکام روابط اعضای خانواده پرداخت. علاوه بر موارد فوق، در پی ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مقام معظم رهبری در زمینه حقوقی و قضایی، با تأکید بر بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات دیگر و متناسب‌سازی مجازات با جرائم و بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، کیفرزدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز با توجه به سیاست کیفرزدایی مصادیق فراوانی از آن را پیش‌بینی و با درجه‌بندی مجازات و در نظر گرفتن جایگزین‌های حبس، تعلیق و تعویق صدور حکم و غیره گام مهمی در این زمینه نهاده که ضرورت بررسی و تطبیق آن با حوزه خانواده را دو چندان می‌کند.

مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که اجرای سیاست کیفرزدایی چه آثار و پیامدهایی را بر تحکیم خانواده خواهد داشت؟ و نحوه اعمال سیاست کیفرزدایی در جرائم خانوادگی چگونه است؟ لذا این نوشتار، ابتدا به بررسی سیاست کیفرزدایی در جرائم حوزه خانواده و چگونگی تعیین ضمانت اجرای مناسب در این زمینه پرداخته و سپس با توجه به متفاوت بودن نهاد خانواده از سایر نهادهای اجتماعی به‌ویژه بعد عاطفی و انسانی آن، پیامدهای کیفرزدایی بر تحکیم نظام خانواده را از دو جهت مادی و معنوی در نظر گرفته است. در بعد مادی، براساس ساختار ویژه خانواده که اعضای آن را انسان‌ها تشکیل می‌دهند و با توجه به مبانی و اهداف شکل‌گیری خانواده در آموزه‌های دینی و قوانین موضوعه، پیامدهای اقتصادی و جنسی اعضا لحاظ شده و در بعد معنوی، آثار فردی و خانوادگی (در رابطه با والدین و فرزندان) به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش

در این تحقیق، روش گردآوری داده‌ها اسنادی است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیلی و توصیفی است. با استناد به قانون مجازات اسلامی و منابع فقهی، آثار اجرای سیاست جنایی کیفرزدایی بر تحکیم خانواده مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

با تحلیل نحوه اجرای کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و منابع فقهی در مورد پیامدهای آن بر تحکیم خانواده، چنین به دست می‌آید:

- نحوه اعمال سیاست کیفرزدایی در جرائم خانوادگی

اهمیت خانواده در حفظ سلامت جامعه، دولت‌ها هر یک به‌زعم خود تدابیری را در جهت تشویق به تشکیل خانواده و تحکیم آن اتخاذ کرده‌اند؛ هرچند قانون‌گذار ایران در جرم‌انگاری خاص (وضع عناوینی که ویژه نهاد خانواده است) چندان شفاف عمل نکرده است (اسدی، ۱۳۹۲، ص ۲۰). به‌طور کلی، می‌توان جرائم حوزه خانواده



را در چهار دسته کلی جرائم علیه قداست خانواده (نظیر ازدواج با زن شوهردار، فریب در ازدواج و غیره)، جرائم علیه تحکیم خانواده (خسونت خانگی)، جرائم علیه اعضای خانواده (ترک انفاق، ازدواج قبل از بلوغ و غیره) و سایر در نظر گرفت (سلمان‌پور، ۱۳۹۳، صص ۸۳-۱۰۷). اما متأسفانه جرائم علیه تحکیم خانواده، فاقد ضمانت اجرا بوده و اصلاً به‌طور خاص جرم انگاری نشده‌اند. از طرفی، وجود سه شاخص عمده در نهاد خانواده، یعنی ارزشی بودن، عاطفی بودن و پنهان بودن حریم خانواده، این کانون را از سایر نهادها در صحنه اجتماع متمایز می‌سازد. لذا تعیین واکنش کیفری در حوزه خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است و نیازمند در نظر گرفتن ویژگی بازندارندگی بیشینه (اسدی، ۱۳۹۲، ص ۴۵) و اخلال کمینه (ریاضت، ۱۳۹۰، ص ۵۸) است. با بررسی اجمالی مجازات جرائم حوزه خانواده، می‌توان دریافت که سیاست جنایی قانون‌گذار در برخورد با جرائم مرتبط با حوزه خانواده متفاوت است. گاهی به خاطر حفظ نظم عمومی، بزهکار را مجازات می‌کند و گاه به خاطر حفظ کیان خانواده، از مجازات او درمی‌گذرد یا آن را کاهش می‌دهد و گاهی هم به خاطر مصلحت حفظ کیان خانواده، شخص را مجازات می‌کند (داوودی، ۱۳۸۹، ص ۵۴)؛ اما در مجموع می‌توان اغلب مجازات حوزه جرائم خانوادگی را در تعزیرات خلاصه کرد. این امر سبب اعمال بیشتر سیاست کیفرزدایی در جرائم خانوادگی است و بدین ترتیب، راه را برای تحکیم خانواده از طریق اجرای روش‌های نوینی نظیر نظام نیمه آزادی و غیره هموار می‌کند.

جدول ۱. بررسی جلوه‌های کیفرزدایی بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ (و تعیین محدوده اعمال آن‌ها)

نام جلوه	توضیحات	محدوده اعمال
نظام آزادی مشروط	آزادی مشروط فرصتی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می‌شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورات دادگاه را به‌موقع اجرا گذارند. از آزادی مطلق برخوردار شوند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰) (مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون مجازات اسلامی)	تعزیرات
نظام نیمه آزادی	نظام نیمه آزادی شیوه‌ای نوین است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان تحمل حبس خود، فعالیت‌های آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و غیره را نیز در خارج از زندان انجام دهد (بخشی زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۶) (۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی)	تعزیرات
جایگزین‌های حبس	جایگزین بدین معناست که قانون‌گذار در قانون کیفر حبس را کنار گذاشته و کیفرهای غیرسالب آزادی را قرار داده و برای قاضی اختیار قرار نداده است (تدین، ۱۳۸۱، ص ۲۱) (مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی)	تعزیرات
تعلیق صدور حکم	در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند (بخشی زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۶) (مواد ۴۶ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی)	تعزیرات
تعویق صدور حکم	دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، در صورت وجود شرایط صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد (مواد ۴۰ تا ۴۵ قانون مجازات اسلامی)	تعزیرات

- پیامدهای کیفرزادایی بر تحکیم خانواده

در خانواده اسلامی، مواردی از احکام فقهی و حقوقی، اعم از حقوق مادی و معنوی که آمیختگی یک حکم فقهی با اخلاق را نشان می‌دهند، وجود دارد که به‌طور کلی در دو دسته پیامدهای مادی و معنوی (در ارتباط با زوجین و فرزندان و والدین) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) پیامدهای مادی: مرد به حکم شرع، سرپرستی خانواده را بر عهده دارد؛ زیرا برای اداره خانواده توانایی بیشتری دارد و علاوه بر این، تأمین هزینه نیز بر عهده او گذاشته شده است. لذا بیشتر تکالیف تأمین نیازهای اقتصادی خانواده در ارتباط با زن و فرزندان بر عهده پدر خانواده گذاشته شده است؛ البته استقلال مالی زوجه (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶) و سهمیم نبودن هیچ یک از آنان در درآمد و اموال یکدیگر (حکمت نیا، ۱۳۹۱، ص ۹۵)، اصل انکار ناپذیر شرعی و قانونی در این زمینه است.

۱- آثار اقتصادی

جدول ۲. بررسی تکالیف اقتصادی مرد

عنوان مسئولیت	توضیحات
پرداخت اجرت‌المثل	بر اساس ماده ۳۳۶ قانون مدنی و ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱، زوج باید برای کارهایی که شرعاً به عهده زوجه نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد و به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد، اجرت‌المثل بپردازد.
پرداخت نخله	بر اساس بند ب تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱، با توجه به سنوات زندگی مشترک نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نخله) برای زوجه تعیین می‌کند. نخله در واقع به‌عنوان جانشینی برای اجرت‌المثل است (اسدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).
شرط تنصیف دارایی	در ضمن عقد نکاح، چنین شرطی مورد توافق زوجین قرار گرفته و امضا می‌شود (موحدیان، ۱۳۸۴، ص ۸۰). البته این شرط مخالفان (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵) و موافقانی (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۶۷) دارد.
مقرری ماهیانه	مطابق ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، حقوق دانان (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۲) مبنای مقرری ماهانه را، جبران ضرر و الزام به انفاق می‌دانند. این ماده، امروزه متروکه مانده است و نظر غالب بر نسخ است (شکری، ۱۳۸۸، ص ۴۵).
مهریه	مهر از احکام تأسیسی دین اسلام نیست (پولادی، ۱۳۸۸، ص ۷۰)، اما فلسفه تعیین مهر، تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آن‌ها به یکدیگر است (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۲۰). مهریه با عقد نکاح بر ذمه مرد قرار می‌گیرد و در صورت مطالبه زن، وی مکلف است مهریه‌اش را بپردازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۷۷).
نفقه	هر چند ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران، نفقه را نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت می‌داند. اما ملاک تعیین مصادیق نفقه، غالباً عرف است. علاوه بر اینکه، نفقه فرزندان نیز بر عهده پدر است (طاهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۰۰).

از میان تکالیف ذکر شده، تنها نفقه دارای ضمانت اجرای کیفری می‌باشد و بقیه موارد، تنها در صورت درخواست حقوقی، قابل مطالبه هستند. در مورد نفقه، همان‌طور که سابقاً اشاره شد، مطابق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده جدید، در صورت استطاعت مالی مرد و تمکین زن، نفقه زن و سایر افراد واجب‌النفقه بر



عهدهٔ مرد است و در صورت امتناع به حبس تعزیری درجهٔ شش محکوم می‌شود. البته در مورد مهریه نیز، مطابق مادهٔ ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات مادهٔ ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است که براساس این ماده، دادگاه به تقاضای محکوم‌له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مورد نفقه، مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است. لذا اجرای سیاست کیفرزدایی در مورد عدم انجام تکالیف مذکور، مانعی ندارد. حال، صرف‌نظر از درست یا غلط بودن جرم انگاری و ورود قانون‌گذار در این زمینه، به نظر می‌رسد اتخاذ سیاست کیفری برای تشویق مرد به انجام تکالیف شرعی اقتصادی‌اش و عدم ایجاد آثار منفی مالی و معنوی برای سایر اعضای خانواده به دلیل عدم حضور پدر و سرپرست خانواده، مناسب و بنابر مصلحت خانواده باشد؛ زیرا مردی که باید نیازهای اقتصادی خانواده را مطابق شرع و قانون به نحو احسن فراهم آورد، در صورتی که مثلاً به علت ارتکاب جرم عدم پرداخت نفقه، به‌عنوان مجازات زندانی شود و از خانواده جدا شود، چگونه با این وضعیت می‌تواند به وظیفهٔ شرعی و قانونی خود عمل کند. لذا خانوادهٔ وی نیز، ناخواسته مجازات می‌شوند. بنابراین، قانون‌گذار با استفاده از تدابیر سیاست کیفرزدایی نظیر تعلیق و تعویق و غیره با در نظر گرفتن شرایط مجرم و خانواده‌اش می‌تواند به‌گونه‌ای مثبت، مرد را در جهت انجام وظایفش یاری کند.

۲- آثار جنسی: از دیگر پیامدهای مادی، حقوق و تکالیف جنسی است که برخلاف مسائل اقتصادی، برخی مختص زن و شوهر و برخی مشترک میان آن‌ها است. حال، تکالیف و به‌تبع آن حقوق جنسی زوجین را به ترتیب بررسی می‌کنیم:

۱-۲ تمکین: ظاهر کلام فقها در معنای تمکین زن از شوهر، متابعت در امور زناشویی است (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۳۱، ص ۳۰۷). لذا قوامیت و مدیریت بر زن در روابط زناشویی، تنها به مسائل زناشویی مربوط می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، صص ۳۶۵-۳۷۲). قانون مدنی تمکین به معنی عام را به وظایف زوجیت در مادهٔ «۱۱۰۸» تفسیر کرده است (مادهٔ ۱۱۰۸ قانون مدنی؛ هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود). وظایف زوجیت در قانون مدنی ذکر نشده است و به کلمهٔ حسن معاشرت که مجمل و مبهم است اکتفا کرده است. اما بنابر مادهٔ «۳» قانون آئین دادرسی مدنی در این موارد باید به عرف و عادت مسلم عمل کرد و عرف و عادت مسلم مذهبی همان است که بیان شد (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۸).

۲-۲ حق قسم: با برقراری روابط زوجیت، علاوه بر کلیهٔ احکامی که شرعی و قانونی بر این رابطهٔ زناشویی و علقهٔ زوجیت مترتب است، حقوق و تکالیف متقابل میان زوجین نیز برقرار می‌شود. قسم در اصطلاح حقوقدانان اسلامی، عبارت از تکلیف شوهر بگذراندن شب نزد زن دائمهٔ خود است. قانون مدنی تصریح به تکلیف مزبور نکرده است و از افراد حسن معاشرت شوهر نسبت به زن دانسته و اکتفا به مادهٔ ۱۱۰۳ قانون مدنی (زن و شوهر

مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند) کرده است (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۵). صاحب جواهر ماهیت قسم را برخلاف مشهور فقها، حق مشترک میان زن و مرد براساس دلیل عقلی و نقلی می‌داند (النجفی، ۱۳۶۸، جلد ۳۱، ص ۱۴۸).

از میان حقوق و تکالیف جنسی بررسی شده به جز عدم تمکین که دارای ضمانت اجرای حقوقی عدم برخورداری از نفقه است، در مورد سایر تکالیف، هیچ ضمانت اجرای حقوقی دیده نمی‌شود. البته می‌توان این تکالیف را زیرمجموعه عدم تمکین و نشوز قرار داده و صرفاً از جهت اخلاقی یا حقوقی ممتنع را موظف دانست. لذا ترک این تکالیف ضمانت اجرای کیفری به همراه ندارد، اما در صورتی که فرد مرتکب سایر جرائم حوزه خانواده نظیر عدم پرداخت نفقه و غیره شود، قطعاً این تکالیف ترک خواهند شد. لذا پرواضح است که برای تأمین نیازهای جنسی اعضای خانواده، نیاز به حضور آن‌ها در خانواده و آمادگی روحی و توان جسمی لازم در این زمینه می‌باشند. حال مرد و زنی که به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و قضایی (عدم اتخاذ سیاست مناسب برای استحکام خانواده‌ها) رنج می‌برند، هیچ‌گاه نمی‌توانند خانه‌ای بر پایه آرامش جهت تأمین نیازهای جسمی خود ایجاد کنند. خصوصاً که این امور در منابع دینی به عنوان یک وظیفه و مسئولیت شناخته شده که در صورت عدم انجام آن علاوه بر تأثیرات منفی دنیوی، از ضمانت اجرای اخروی نیز برخوردارند.

ب) پیامدهای معنوی: دین اسلام هم به نیازهای مادی انسان توجه دارد و هم به نیازهای اخلاقی و معنوی او. بر همین اساس، پیامدهای معنوی اعمال سیاست کیفرزدایی بر فرد مجرم و خانواده وی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- آثار فردی: همه انسان‌ها براساس یکسری فطریات خلق شده‌اند که در همه افراد مشترک است (مهدوی کنی، ۱۳۷۴، ص ۱۴). خیر و شر، هردو در فطرت انسان‌ها وجود دارد و ممکن است هریک از آن دو به فعلیت برسند. لیکن، گرایش انسان به حق به این معنا است که فطرت انسان متمایل به حق است و گرایش به باطل تحت تأثیر شرایط بر او عارض می‌شود. میل انسان به سمت تقوا و خیر است به شرط اینکه سوء تربیت خانواده یا محیط جامعه او را آلوده نکند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۴۳). پس اولین اثر اعمال سیاست کیفرزدایی بر فرد خاطی را می‌توان ایجاد فرصتی دوباره برای بازگشت وی به جامعه و خانواده عنوان کرد. در این رویکرد، فرد با زنده شدن صفات مثبت ذاتی وجودش می‌تواند زندگی تازه‌ای را آغاز کند. علاوه بر این، از نظر اسلامی، خانواده کارآمد و متعادل خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صفورایی، ۱۳۸۸، ص ۷۱). لذا هریک از اعضای خانواده به تناسب نقشی که در خانواده دارد، حقوق و تکالیفی را داراست. مسئولیت‌هایی که تنها او مثلاً به عنوان پدر، مادر یا اعضای خانواده انجام دهد. در نتیجه اعطای فرصت مجدد اصلاح و بازگشت‌پذیری نقش بسزایی را در انجام وظایف و مسئولیت‌های وی ایفا می‌کند (جوکار، ۱۳۹۰، ص ۸۰).



۲- آثار جمعی (نهاد خانواده): برای بررسی پیامد معنوی اجرای سیاست کیفر زدایی بر نهاد خانواده به علت متفاوت بودن تکالیف معنوی میان اعضای خانواده، لذا جداگانه آثار معنوی در رابطه با زوجین و هریک از آن‌ها با فرزندان بررسی می‌شود:

۲-۱ در روابط میان زوجین

۲-۱-۱-۱- حسن معاشرت: قرآن کریم اصل حسن معاشرت را اصل حاکم بر روابط زوجین می‌داند. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز بیان داشته: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند». از نظر حقوقدانان منظور از حسن معاشرت زوجین با یکدیگر این است که در حدود عرف و عادت زمان و مکان باشد. در رابطه با این ماده بین حقوقدانان اختلاف نظر است، اما غالباً معتقدند این ماده ارشادی است و اثر حقوق و جزایی ندارد مگر آنکه به مرحله نشوز برسد (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

۲-۱-۲- آرامش و تأمین نیازهای عاطفی: خداوند متعال در قرآن کریم، محبت بین زوجین را از نشانه‌های خود می‌داند (اعراف/۷). نکته قابل توجه این است که خداوند این محبت و مودت را ایجاد کرده است و زوجین باید بکوشند این محبت خدادادی و این نعمت الهی را حفظ کنند (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۰). از این نظر، قوی‌ترین عامل دوام و رشد خانواده، «عاطفه» و محبت اعضای آن به همدیگر است و همه وظیفه دارند این عامل را تقویت کنند؛ به ویژه مرد خانواده که سرپرستی اعضای را به عهده دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲). بر این اساس، بیشترین اثر اتخاذ سیاست کیفرزدایی را می‌توان در جهت‌گیری معنوی خانواده چه از بعد احترام و حسن معاشرت زوجین و چه از نظر عاطفه و آرامش میان اعضای خانواده دانست؛ زیرا ناگفته پیداست که بهره‌مندی از معنویات، زمینه‌ساز ایجاد بستر مناسب جهت استفاده هرچه بهتر از نیازهای مادی را فراهم می‌آورد.

۲-۲ در رابطه با فرزندان

حوزه وظایف والدین نسبت به فرزندان از نظر اندیشمندان اسلامی، هرچند از نظر تقسیم‌بندی متفاوت است، ولی از نظر محتوایی تفاوت چندانی ندارند. اما غالباً معتقدند بیشتر حقوق طفل نسبت به والدین، زیرمجموعه تربیت قرار می‌گیرد (بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰).

۲-۲-۱ وظایف تربیتی والدین: از وظایف اساسی پدر و مادر در قبال فرزند آن است که او را با روش صحیح تربیت کرده و بد و خوب را به او شناسانده و بسته به شرایط یا با تشویق و زبان رفیق و مدارا یا با انذار و هشدار او را به طرف انجام کارهای خوب و شایسته سوق داده و از ارتکاب کارهای زشت و ناشایست برحذر دارند (منتظری، ۱۳۷۱، ص ۳۵۸).

۲-۲-۲ حضانت و ولایت: قانون مدنی تعریفی از حضانت ارائه نداده است، اما حقوقدانان در تعریف حضانت آورده‌اند: اقتداری که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر داده و در اقتدار، حق و تکلیف به

هم‌آمیخته شده است و نگهداری شامل همه کارهایی است که برای پرستاری و مواظبت کودک لازم است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹). از نظر حقوق مدنی ایران، ایجاد حق حضانت نتیجه انجام تکلیفی است که پدر و مادر در نگهداری و تربیت فرزند خود دارند. ولایت نیز چه در قانون مدنی و چه در منابع فقهی، اختصاص به پدر وجد پدری در امور مالی و غیرمالی طفل دارد. ضمانت اجرای کیفری تکلیف والدین به حضانت در ماده ۵۴ قانون حمایت از خانواده جدید به این شرح ذکر شده است: هرگاه مسئول حضانت از انجام تکلیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل یا اشخاص ذی‌حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار، به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود. این جرم انگاری نشان از اهمیت انجام این تکلیف در نهاد خانواده دارد که قانون‌گذار را ناگزیر در ورود کیفری در این مسئله کرده است. حضانت و ولایت دارای اهمیت فراوانی هستند؛ زیرا خانواده هسته اصلی اجتماع و طفل مرکز و کانون این هسته را تشکیل می‌دهد. احترامی که قانون برای خانواده قائل است بیشتر به این خاطر است که طفل را در درون خود می‌پرورد و اجتماع را به وجود می‌آورد. در صورت محقق نشدن هریک از تکالیف مادی و معنوی فوق‌الذکر در نهاد خانواده، بستر مناسبی برای شکل‌گیری جرائم علیه تحکیم خانواده نظیر خشونت خانگی و غیره ایجاد خواهد شد. لذا به نظر می‌رسد با بکارگیری سیاست جنایی کیفرزدایی، در صورت ارتکاب جرم توسط یکی از اعضای خانواده، از بروز جرائم حوزه خانواده پیشگیری به عمل خواهد آمد. علاوه بر این، اتخاذ این سیاست در حوزه جرائم خانوادگی، فرد خاطی را در انجام تکالیفش یاری می‌رساند.

نتیجه‌گیری

امروزه تزلزل خانواده‌ها در اثر انتخاب نادرست سیاست جنایی مناسب در پاسخگویی به پدیده‌های مجرمانه، یکی از چالش‌های اساسی در نظام قضایی کشور ما محسوب می‌شود. البته سیاست‌هایی نظیر جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی توسط کشورهای بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است. اما کیفرزدایی به دلیل کارایی بیشتر نسبت به سایر سیاست‌های مشابه، به‌طور خاص مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته است. لذا توجه به مبانی سیاست کیفرزدایی در جهت اتخاذ بهترین شیوه تعیین مجازات و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، ضروری به نظر می‌رسد. البته جرم انگاری حوزه خانواده، گاهی در جهت حمایت از قداست و تحکیم خانواده است و گاهی برای حفظ نظم عمومی صورت می‌گیرد. در تزامن این دو مصلحت باهم، تحکیم خانواده غالباً اولویت دارد. قانون‌گذار برای نیل به این هدف، در مرحله اجرای مجازات امتیازاتی را برای مجرم در نظر می‌گیرد که یکی از این امتیازات ممکن است اعمال سیاست جنایی کیفرزدایی باشد. لذا قوانین کیفری در مقابل عامل خانواده گاهی انعطاف نشان می‌دهد و سازوکارهایی را جهت مشکلات خانوادگی بزهکاران پیش‌بینی می‌کند تا کمکی به حل مشکلات فردی و اجتماعی کرده باشد. با توجه به اینکه مرد و زن به عنوان دو رکن اساسی خانواده، از نظر اقتصادی دارای استقلال مالی می‌باشند و علاوه بر این، مرد بیشترین مسئولیت تأمین نیازهای



مالی خانواده را بر عهده دارد، لذا تکالیفی نظیر پرداخت نفقه، مهریه، نحل و غیره بر عهده وی است. در نتیجه، اعمال سیاست کیفرزدایی در جهت ایجاد زمینه لازم برای مرد به عنوان همسر و پدر خانواده در جهت انجام تکالیف شرعی و قانونی وی ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، وظایف و حقوق جنسی زن و مرد همچون تمکین و حق قسم، به عنوان تکالیفی دو سویه بر عهده هر دوی آنان قرار دارد که با حضور مستمر و سازنده‌شان در محیط خانواده قابل پاسخگویی می‌باشند. برای تبیین آثار معنوی اعمال سیاست کیفرزدایی بر تحکیم خانواده، آثار فردی و اجتماعی در روابط میان زوجین و والدین و فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. در مورد آثار فردی، مهم‌ترین پیامد ایجاد فرصتی دوباره برای بازگشت مجرم به جامعه و خانواده است. در روابط میان زوجین، حسن معاشرت، آرامش و تأمین نیازهای عاطفی و در روابط میان والدین و فرزندان، تکلیف تربیت و حضانت و ولایت، به عنوان مهم‌ترین پیامدهای معنوی معرفی شدند که می‌توان اذعان داشت که بیشترین اثر اتخاذ سیاست کیفرزدایی در جهت‌گیری معنوی خانواده قابل تحقق است.

در نتیجه با بررسی منابع فقه و حقوق جزا مخصوصاً دستاوردهای مکاتب کیفری نوین ثابت می‌شود:

- ۱- اعمال اصل فردی کردن واکنش اجتماعی، اصلاح و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در جهت تعالی و رشد اعضای خانواده، از مهم‌ترین مبانی کیفرزدایی با رویکرد تحکیم خانواده است.
- ۲- هر قسم واکنش اجتماعی جایگزین کیفر از قبیل آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی و تعلیق و تعویق صدور حکم، مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در حوزه خانواده را تشکیل می‌دهند؛ چراکه این نهادها در محدوده مجازات تعزیری قابلیت اجرایی دارند که با ماهیت جرائم خانوادگی همخوانی بیشتری دارد.
- ۳- ایجاد بسترهای مناسب اجتماعی و خانوادگی برای الزام اعضای خانواده خصوصاً والدین در جهت انجام وظایف مادی و معنوی خویش از طریق اعمال سیاست جنایی کیفرزدایی، پیامدهای مثبتی از نظر مادی و معنوی بر تک‌تک اعضای خانواده خواهد داشت.

پیشنهادها:

- ۱- با برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و جلسات آموزشی، ضمن توجیه کردن سیاست کیفرزدایی برای مجریان قانون و تأکید بر اهمیت اعمال آن در نهاد خانواده، دیدگاه قضات را در زمینه سزا دهی مجرمان تغییر داده تا زمینه برخورداری مجرمان از چنین امتیازاتی را فراهم آید.
- ۲- فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها و همه مسئولان و نهادهای اجرایی کشور به شکل گسترده در جهت تغییر نگرش مردم (مخصوصاً خانواده‌های آنان) نسبت به مجرمان به عنوان بیماران که نیاز به درمان برای ورود مجدد به جامعه دارند، از جمله گام‌های اساسی در این زمینه است.
- ۳- قانون‌گذار برای کاهش جرائم علیه تحکیم خانواده که عمدتاً فاقد جرم انگاری می‌باشند، باید ماده‌ای به شرح زیر در قانون مجازات اسلامی وضع کند: هرگونه فعل، ترک فعل و لفظی که با قصد و نیت سوء از جانب

شوهر موجب ضرر و زیان و آسیب زن شود، به حبس و جزای نقدی درجه ۵ تا ۷ محکوم می‌شود (تبصره: ملاک تشخیص خشونت، عرف و نظر قاضی با در نظر گرفتن وضعیت و شرایط زوجه است).

۴- اثر اجرای سیاست کیفی‌زدایی بر تحکیم خانواده زمانی به خوبی محقق می‌شود که تکالیف اعضای خانواده دارای ضمانت اجرا باشند؛ زیرا وجود ضمانت اجرای قوی در کنار اعطای امتیازات کیفی‌زدایی، فرد را در استفاده از این فرصت‌ها ترغیب می‌کند. همان‌طور که اشاره شد تکالیف جنسی مرد، فاقد ضمانت اجرای مستقیم بوده؛ چراکه زن در صورت اثبات عسر و حرج از عدم اجرای تکالیف شرعی و قانونی مرد، می‌تواند از طلاق قضایی بهره‌مند شود. لذا می‌توان در ضمن ماده‌ای، در صورت عدم انجام وظایف جنسی توسط مرد، بدون اثبات عسر و حرج برای زوجه، حق طلاق قائل شد. در مورد تکلیف حسن معاشرت نیز همین اشکال قابل طرح است که با تعیین ضمانت اجرای طلاق بدون اثبات عسر و حرج، می‌توان کارایی اعمال سیاست کیفی‌زدایی را افزایش داد.

منابع

منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام (بهار و تابستان ۱۳۹۱). بازپروری عادلانه مجرمان: آموزه‌های حقوق کیفری. نشریه دانشگاه علوم اسلامی رضوی. ۳(۱۰۲)، صص ۱۵۱-۱۷۶. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/magazine/838>
- احمدی، محمد (۱۳۹۰). کرامت انسانی و مجازات‌های بدنی از منظر اسلام و حقوق بشر غربی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۱). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
- اخلاقی، اسماعیل (شهریور ۱۳۹۱). عوامل تحکیم خانواده در آموزه‌های دینی. ماهنامه پیام زن. ۲۰(۶)، صص ۱-۲۰. بازیابی از: <http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=1214&Number=234&Appendix=0&lanf=Fa>
- اسدی، لیلا (تابستان ۱۳۹۲). ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده و کیفیت تأمین الزام‌آوری قواعد در این حوزه. فصلنامه تعالی حقوق. ۴(۳)، صص ۴۱-۶۸. بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1183827&l=fa>
- اسدی، لیلا (۱۳۹۲). حقوق کیفری خانواده. تهران: میزان.
- اسدی، لیلا (۱۳۹۰). درسنامه حقوق کیفری خانواده. تهران: نشر دانشگاه امام صادق(ع).
- بخشی زاده اهری، امین (۱۳۹۲). تحولات و رویکردهای نوین. تهران: اندیشه عصر.
- بستان، حسین (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهره‌مند، حمید (۱۳۸۲). جرم‌شناسی (تقریرات دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی). دوره کارشناسی دانشگاه امام صادق(ع).
- پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: سمت.
- پولادی، ابراهیم (۱۳۸۸). مهریه و تعدیل آن. تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.
- تدین، عباس (۱۳۸۱). جرم‌شناسی (تقریرات دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی). کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع).
- جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). تفسیر موضوعی فطرت در قرآن. م، اسراء.
- جوکار، محبوبه (بهار ۱۳۹۰). حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی. فصلنامه پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. ۴(۱)، صص ۷۹-۱۱۶. بازیابی از: journals.miu.ac.ir/content.php



- حکمت نیا، فرج‌الله (۱۳۹۱). فلسفه حقوق خانواده. قم: نشر روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- داوودی، هما (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). تأثیر عامل خانواده بر تعیین و اجرای مجازات. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۵(۵۳)، صص، ۴۸-۶۷. بازیابی از: <http://elmnet.ir/Article/683110-23378>
- رایجیان اصل، مهرداد (زمستان ۱۳۸۱). استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله جزا و جایگاه آن در ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۱۲(۴۱)، صص ۹۳-۱۱۸. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/483935>
- رحمانی، امیر (۱۳۹۱). بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ریاضت، زینب (۱۳۹۰). سیاست جنایی در قبال جرائم علیه خانواده، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. بازیابی از: http://ganj.irandoc.ac.ir/articles/download_sparse/542245
- سلمان پور، عباس (بهار و تابستان ۱۳۹۳). گونه شناسی جرائم علیه خانواده، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۵(۱)، صص ۸۳-۱۰۷. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/storage/Files/20150203082025-9478-63.pdf>
- سویزی، مهتری (۱۳۸۶). خانواده کارآمد و متعالی. تهران: کتاب نیستان.
- شکر، فریده (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). مقرری ماهانه و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، ۱۴(۵۱)، صص ۳۵-۵۴. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/fa/content/299734/default.aspx>
- صفایی، حسین (۱۳۹۰). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
- صفورایی، محمد (زمستان ۱۳۸۸). اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاقی اسلامی در کارآمدی خانواده، معرفت اخلاقی، ۱(۱)، صص ۹۱-۱۱۸. بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=707876&I=fa>
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر میزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۶). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). حقوق مدنی و خانواده. تهران: بهمن برنا.
- کاظمی، سجاد (خرداد و تیر ۱۳۹۱). تبلور قاعده انصاف در اصل فردی کردن مجازات‌ها. فصلنامه تعالی حقوق، ۴(۱۷ و ۱۶)، صص ۴۵-۶۱. بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1061451&I=fa>
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). نظام حقوق زن در اسلام. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۵). سیاست جنایی (علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: یلدا.
- منتظری، حسین‌علی (۱۳۷۱). رساله استفتائات. تهران: نشر تهران.
- موحدیان، غلامرضا (۱۳۸۴). حقوق و روابط مالی زوجین. تهران: پیک فرهنگ.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۴). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مهدوی کنی، صدیقه (بهار و تابستان ۱۳۹۲). اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۱۸(۵۸)، صص ۵-۳۲. بازیابی از: http://familylawandjurisprudence.isuw.ac.ir/article_3131_0.html
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: گنج دانش.
- نوری، اعظم (پاییز ۱۳۸۹). عوامل تحکیم و استحکام خانواده. فصلنامه طهورا، ۳(۳)، صص ۱۴۵-۱۷۸. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/storage/Files/20121212084714-9419-6.pdf>

منابع عربی

- ابن منظور، ابوالفضل (۱۳۷۴). لسان العرب. لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- النجفی، محمد حسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام فی تفسیر شرایع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.